

"نفسِ خاک"

شاید این لحظه ی کال

خنده ای سرخ به شیرینی باران بشود

شاید این پرتو کور

چشمه ای نور به تنهایی پاکان بشود

کاش این بودن کم

بودنی از کمی آه نبود

کاش این آهک کم

جرعه ای از نفس خاک نبود

شاید این شب‌نم گل

اولین اشک وجود من بی خانه شود

شاید این بوسه ی باد

اولین خواهش چشم تر پروانه شود

کاش این خنده ی روز

لحظه ای بر نفس پنجره ها بسته نبود

کاش این پنجه ی ماه

قطره ای سر به هوا در قفس شاد لب حوض نبود